



گزارشی از کارخانه جنرال موتورز

حدود ۲۰ بهمن ماه یک گروه از تلویزیون اسلامی برای تهیه یک گزارش به کارخانه جنرال موتورز واقع در جاده مخصوص کرج میروند. این گروه از جمله شامل یک تهیه کننده "مکتبی" یک فیلمبردار یک صدابردار بوده است. در این کارخانه یک مدیر از طرف دولت تعیین شده است که ظاهراً او هم جزء "مکتبیون" است. تهیه کننده یکم مدیر کارخانه بقیه در صفحه ۵

سالی که گذشت

با پایان سال ۵۹ مردم زحمتکش ایران در سایه رژیم جمهوری اسلامی یکی از سیاهترین و دردناکترین سالهای عمر خود را پشت سر گذاشتند. سال ۵۹ را رژیم جمهوری اسلامی با حمله وحشیانه و جنگی مآبانه به دانشگاهها و مراکز آموزشی آغاز نمود و با سازش ننگین خود با "شیطان بزرگ" یعنی امپریالیسم آمریکا بر سر مسئله گروگانها به پایان رسانیده بقیه در صفحه ۲

اخراج دسته جمعی کارگران برق منطقه ای

میدهد و کارگران بناچار در روز شانزدهم اسفند ساعت ده صبح در مقابل کارخانه برق واقع در میدان شهدا اجتماع کرده و از آنجا به طرف نخست وزیر راهپیمایی میکنند. حدود ۴۰۰ نفر از کارگران اخراجی در این راهپیمایی شرکت نمودند. آنها شعار میدادند "ما کارگر برقیم اخراج نمیگردیم"، "نه عیدی، نه اخراج" بقیه در صفحه ۴

اواسط هفته دوم اسفند ماه حدود ۷۰۰ نفر از کارگران موقت شرکت برق منطقه ای تهران که اغلب آنان حدود ۲ سال سابقه کار داشته اند و از حق بیمه نیز برخوردار بوده اند، بدون هیچ عذر و بهانه ای اخراج میگردند. کارگران طی یک گرد همایی در محل کارخانه نسبت به این عمل مدیر عامل شرکت اعتراض میکنند. کارگران پس از اینکه جوابی دریافت نمیکنند به دفتر خمینی مراجعه مینمایند. دفتر امام نیز آنان را به "وضع حساس کشور" حواله

در صفحات دیگر:

- ★ پای صحبت کارگر زحمتکش صفحه ۴
- ★ اخبار بین المللی صفحه ۱۱
- ★ اخبار کارخانه ی سیتروئن، کفش ملی و... صفحه ۱۲

بخش ۳ آموزش سیاسی

سرمایه داری را بشناسیم

بخش سوم: تبدیل پول به سرمایه

در صفحه ۷



بقیه‌ی سالی که گذشت

همه اعمال سنگینی که رژیم از همان اوایل سال ۵۹ از طریق سرکوب، شکنجه، اعدام، اخراج و بالاخره تحمیل و تزویر به آن دست زد مقدمات خیانت بزرگ را فراهم ساخت تا اینکه رژیم جمهوری اسلامی بتواند بهترین هدیه ممکن را در آغاز سال مسیحی و همزمان با انتخاب رئیس‌جمهور جدید آمریکا تقدیم "شیطان بزرگ" نماید. سال گذشته جماعتداران سرمایه همچون لشکریان مغسول همه دانشگاهها و مراکز آموزشی را مورد هجوم وحشیانه خود قرار دادند و با کشتار حبس و اخراج دانشجویان رزمنده و انقلابی و استادان مبارز سنگرهای آزادی و استقامت را به گورستان تبدیل نمودند تا که امپریالیسم آمریکا ثابت کند که اگر شاه حائن با کشتار چند دانشجوی آگاه و مبارز پس از کودتای سنگین ۲۸ مرداد مورد لطف و پشتیبانی "شیطان بزرگ" قرار گرفت ما هم با همین اعمال سنگین لیاقت لطف و محبت "شیطان بزرگ" را داریم.

سال گذشته یورش سراسری پاسداران و ارتش رژیم از زمین و هوا به کردستان آغاز میشود و در طی آن صدها نفر از مردم رنج کشیده خلق کرد با کت و خون کشیده میشوند و دهها نفر از انقلابیون کسرده اعدام محکوم میگردند، فقط به این دلیل که رژیم جمهوری اسلامی به "شیطان بزرگ" ثابت کند که اگر رژیم شاه حائن پاسداران فرستادن اولین جلاد به کردستان و قتل عام خلق کرد دشمنی خود را با حق تعیین سر و نوشت ملل به اثبات رسانید ما هم قادریم که با کشتار وحشیانه خلق کرد و دیگر خلقهای ایران و حتی قتل عام بچه‌های خردسال نشان دهیم که در دشمنی با زحمتکشان از رژیم آریا مهر دست کمی نداریم. سال گذشته، وراهای واقعی

کارگران یعنی یکی از ارزش‌ترین دستاوردهای قیام بهمن ماه بدستور رژیم جمهوری اسلامی بی اعتبار اعلام میشود و بجای آن نیروی ویژه کارخانجات (ساواک) و انجمن‌های اسلامی در کارخانجات مستقر میگردد تا کمترین حق اعتصاب و اعتراض به حیایات رژیم از کارگران قهرمان ایران سلب شود.

سال گذشته خانه کارگر توسط پاسداران سرمایه غصب میشود، سود ویژه لغو میگردد و قانون ۴۴ ساعت کار بهای ۴۰ ساعت به کارگران تحمیل میشود و پرداخت اضافه دستمزد به کارگران ممنوع میشود. به اعتصابات کارگران قهرمان و مبارزان در سراسر کشور وحشیانه حمله میشود. نمایندگان کارگران شرکت نفت و کارخانجات مینو، ایرادک، تراکتور سازی، ریسمان، چیت‌بهر - دستمال کاغذی خریز - ارج و غیره توسط رژیم دستگیر و زندانی میشوند و صدها کارگر رزمنده و انقلابی در سراسر کشور به اتهام داشتن عقاید سیاسی و مبارزه بر علیه شرایط غیر انسانی حاکم اخراج میشوند فقط به این خاطر که رژیم جمهوری اسلامی نشان دهد که در بازسازی نظام ارتجاعی سرمایه داری و سرکوب کارگران قهرمان از سایر رژیمهای مرتجع سرمایه داری چیزی کم ندارد.

سال گذشته، جنگ خانمان برانداز ایران و عراق توسط رژیمهای ارتجاعی هر دو کشور به مردم زحمتکش ایران و عراق تحمیل میگردد و میلیونها نفر از مردم زحمتکش آواره گشته و هزارها نفر قربانی میشوند و میلیاردها تومان از دسترنج زحمتکشان طعمه جنگ میشود، قراردادهای خرید اسلحه منعقد میگردد و میلیونها تومان از ثروت مردم به سازمانهای ارتجاعی

بقیه در صفحه ۳



بقیه‌ی سالی که گذشت

افغانی و امل و غیره پرداخت می‌گردد. به این امید که رژیم جمهوری اسلامی قصد صدور انقلاب اسلامی را دارد و با این هدف که رژیم سعی دارد نقش ژاندارمی خلیج فارس را از آن خود کند.

سال گذشته سازمانها و گروههای انقلابی و ضد امپریالیست مورد وحشیانه ترین حملات ارتجاعی حاکم قرار می‌گیرند. تشریفات و روزنامه‌های مترقی توقیف میشوند. زندانیان آریا مبری از زندانیان انقلابی بر می‌نشیند، صدها نفر انقلابی در بیدادگاههای رژیم جمهوری اسلامی به اعدام، حبس و شکنجه محکوم میشوند، زیرا که رژیم جمهوری اسلامی ایران همچون همه رژیمهای سرمایه‌داری و دیکتاتوری جهان ناچار است بخاطر حاکمیت‌ننگین خود بهر حیانت و خیانتی دست بزند.

سال گذشته، هزارها نفر از انقلابیون و عناصر مترقی آموزش و پرورش و سایر ادارات دولتی اخراج میشوند، سیستم تعزیش عقاید به وسیله شکنجه و شکنجه‌ها مسلط میشود، با این دلیل که رژیم جمهوری اسلامی خود نیز به درماندگی و بی‌لیاقتی خویش در تحقق خواستههای مردم زحمتکش واقف گشته است. بیش‌بایستد بهر قیمتی که شده از اظهار نظرها و سایرین ممانعت بعمل آورد.

سال گذشته، تورم و گرانیهای سرسام‌آور مایحتاج عمومی مردم زحمتکش ایران را بخاک سیاه نشاند و رژیم جمهوری اسلامی هم درمانده از تأمین مایحتاج عمومی سیاست‌جیره‌بندی را اعمال نمود، چرا که در نزد سران رژیم "اقتصاد مال‌خراست" و مردم فقیر برای مردن خوب هستند، ولی نباید پرسید پس اولاً چرا در طول اقتصاد مگر بازگشتی را نمی‌بینید و ثانیاً مگر

در آخرت هم بانکهای آمریکایی وجود دارد که آقایان از هم اکنون پولهای این مردم زحمتکش را بصورت ارز آهسته به دلار از ملک خارج میکنند؟

و اما سال گذشته علیرغم همه حیایات و خیانت‌هایی که توسط رژیم جمهوری اسلامی به مردم زحمتکش ایران و بخصوص کارگران تهران تحمیل شد و علیرغم همه سازشها و گدازی قدرت‌پارهای از سازمانهای به اصطلاح مترقی نظیر "فدائیان اکثریت" و "حزب توده" از

رژیم، خلقهای قهرمانان ایران و پیشاپیش همه آنها کارگران قهرمان به مبارزاتی امان خود جهت تحقق خواستههای بحقشان همچنان ادامه دادند. کاریزها سیاه رژیم در سال گذشته خسود بعنوان یکی از عوامل مهم به توده‌های بسیاری نشان داد که مدافعین سرمایه‌داری در هر قیافه‌ای و با هر شعار دشمن واقعی زحمتکشان هستند. هر روز که از عمر نامیمون این رژیم می‌گذرد توده‌های بیشتری از زحمتکشان جامعه آگاه میشوند که انتظار معجزه از این امام‌زاده بی‌فایده است. عملکرد ۲ ساله رژیم جمهوری اسلامی در زمینه‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی خود بهترین سند ماهیت ضد مردمی کسانسی است که با تکیه بر قیام پرشکوه ستمدیدگان و در شرایط فقدان سازمان سیاسی طبقه کارگر بر مسند قدرت تکیه زدند و اینهمه جنایت و خیانت به ارمغان آوردند.

حکومت دو ساله جمهوری اسلامی بخوبی به توده‌های بسیاری و احتمالاً برخس سازمانها و گروههای طرفدار طبقه کارگر نشان داد که سازش - سرکوب - تحمیل -

دروغ - فقر - بیکاری - گرانی و ... ناشی از ماهیت همه حکومت‌های سرمایه‌داری است و رژیم ایران هم علیرغم فرق ظاهری بقیه در صفحه ۶



پای صحبت کارگر زحمتکش

..... پای درد دلش که نشستم از گذشته گفت که چطور تو تمام راهپیمایی‌ها و اعتراضات نسبت به رژیم پانایق شرکت میکرده و اون هم با چه امید و آرزوهای ما که : آره ، بالاخره حاکم سر سرنوشت خود شدیم .

ارش پرسیدم چند ساله کار میکنی ؟ گفت که : سی ساله از عمرم میگذره و از این مدت ۲۰ سالشو کار کردم ، یعنی موقعیکه ۱۰ سالم بود در دکوتا شاگردی میکردم هنوز هم اکه یه روز کار نکنم فرداش زن و بچم گشته میمون .

۴ تا بچه قدونیم قد داشت که هی تنو حرفاش میپريدند و نمیداشتن درست و حسابی حرف بزنه که آخر سر هم عصبانی شدو یکس شو بو زد تا از دور ویرش دور شدند .

گفتم فکر میکنی بعد از انقلاب چسه تغییراتی انجام شده که منافع کارگران و رحمتکشان جامعه رو تامین کرده باشه . گفت : والله تو این مدت ۲ سالی کسه از انقلاب میگذره ما جمعا ۷ تومن اضافه حقوق گرفتیم . گفتم : فقط ۷ تومن ؟ گفت : آره ۷ تا تک تومنی در عوض هرچی بخوای بخری ۴-۵ برابر قیمتش بالا رفیحه . پرسیدم کجا کار میکنی ؟ گفت : تو به شرکت خصوصی وابسته به ملیران و ادامه داد : موقعی که جنگ شروع شد اوسا دالیه صاب کارمون میخواست شرکتو تعطیل کنسه دلیلش هم این بود که "مروش کم شده و نمی تونم شرکتو بگردونم !" ما هم بیش گفتم : آق اسدالله چطور این همه ساله که استفاده میپردی هیچ وقت سرمایه‌امدی بقیه در صفحه ۱۰

بقیهی اخراج دستجمعی کارگران برق

فقط کار ، فقط کار " . کارگران در مقابل نخست‌وزیری اجتماع کرده و نمایندگان خود را برای اعلام خواسته‌هایشان بداخل میفرستند . یاسداران مستقر در نخست‌وزیری که کارگران را محاصره کرده بودند و سعی میکردند آنان را از مقابل سل نخست‌وزیری به خیابان جنب نخست‌وزیری تغییر مکان دهند ، با مقاومت کارگران مواجه شدند . آنان شعار میدادند : "نخست‌وزیر مکتبی ، چرا جواب نمیدهی؟" "بالاخره پس از انتظار زیاد نمایندگان برگشته و اعلام نمودند که جناب نخست‌وزیر از ملاقات آنان اجتناب کرده و پیغام داده که فرصت‌رسیدگی به خواسته‌های کارگران را ندارد . از طرفی معلوم گردید که آقای وزیر نیرو قبل از رسیدن کارگران به مقصد با نخست‌وزیری تماس گرفته و ضمن پیغام فرستاده که "شماها با این کارتان آبروی مرا برده‌اید" .

کارگران که از نخست‌وزیر مکتبی هم ناامید شده بودند پس از ساعتی انتظار با خشم و نفرت محل نخست‌وزیری را ترک گفتند . بنابراین ۷۰۰ نفر دیگر از کارگران بی پناه و تحت‌ستم ، بدون هیچ ضابطه و قانونی به خیل میلیونی سیکار اضافه شدند و حکومت جمهوری اسلامی این "پناهگاه مستضعفان" حتی زحمت‌شنیدن غریبادهای حق طلبانه آنان را بخود نمیدهد . ولی کارگران آگاه و انانی که به ماهیت سرمایه‌داری رژیم جمهوری اسلامی پی برده‌اند حتی لحظه‌ای تردید بخود راه نداده و انتظار هیچگونه حمایت و چشمداشتی از این رژیم نداشته و میدانند که حق دادنی نیست و میبایستی آن را با اتحاد و مبارزه متشکل کارگران از حقوق سرمایه‌داران خارج نمود .





بقیه‌ی گزارش کارخانه‌ی جنرال موتورز

ترتیب این گزارش را میدهند. در آن روز یکی از کارگران عضو شورای اسلامی کارخانه را به قسمت اداری می‌آورند و با او مصاحبه می‌کنند. کارگر مکتبی هم در مصاحبه‌اش هر چه میتواند علیه منافس کارگران حرف می‌زند. از جمله میگوید (بعنوان نماینده کارگران) که کارگران سود ویژه نمیخواهند، ما از دولت پشتیبانی میکنیم، در شرایط جنگی باید چند ساعت بدون حقوق کارکرد و تهیه این گزارش کاملاً مخفی از کارگران انجام میشود. ولی در اواخر کار غیر تهیه این گزارش به کارگران میرساند (احتمالاً از طریق آیدارچی). تمام کارگران می‌آیند به خود بخینند گزارشگران تلویزیون با ماشین خود و فیلم تهیه شده از کارخانه خارج میشوند. چند نفر از کارگران هم بلافاصله سوار اتوموبیلهای شورت آماده تحویل شده و بسرعت بدنبال ماشین تلویزیون حرکت می‌کنند و آنها در نیمه راه در جاده به آن میرسند و آنها متوقف میکنند و از آنها میخواهند که به کارخانه برگردند. گزارشگران تلویزیون هم چاره‌ای نمی‌بینند. ماشین تلویزیون تا کارخانه توسط دو ماشین کارگران اسکورت میشود. با وارد شدن ماشینها به کارخانه کارگران دست از کار میکشند. (همگی) و بدور آنها حلقه می‌زنند و بحث و جدل بین چند تن از کارگران و تهیه کننده مکتبی در می‌گیرد. در این بحث و جدل کارگران با حالتی تهاجمی عصبانی و همراه با فحاشی صحبت میکردند و در عوض تهیه کننده مکتبی سعی میکند هر چه ممکن آرامتر حرف بزند و کارگران را آرام کند. گرچه موفق نمی‌شود. کارگران از تهیه کننده میپرسند: "تو

روغن را کیلوئی چند میخوری؟" و او جوابی میدهد. کارگران میگویند "چطور انتظار دارید که با این قیمت‌های سرسام آور ما سود ویژه نخواهیم". و چیزهای دیگری هم در این بحث و جدل گفته میشود. (مسئله سود ویژه از عمده‌ترین موارد بحث بود است) در این موقع رئیس کارخانه از دور پدایش میشود. یکی از کارگران میگوید "این دیوس هم آمد". کارگران دیگر هم بطور ضمنی تأیید میکنند. رئیس کارخانه میگوید "خیلی خوب، من دیوس هستم. ولی شما سرکارتان برگردید و از اغتشاش جلوگیری کنید". لحن رئیس کارخانه هم متبلل تهیه کننده مکتبی، ناشی از یک حالت ترس شدید از کارگران و کوشش ناموفقی برای آرام کردن کارگران عصبانی و خشن بود. کارگران در پاسخ رئیس کارخانه می‌گویند که "ما فیلم را میخواهیم. ما نمیگذاریم از ما کارگران در تلویزیون سوء استفاده کنند". تهیه کننده مکتبی میگوید "باید قیمت فیلم را بدهید تا سه شما بدهم". از او میپرسند قیمتش چقدر است. تهیه کننده از فیلمبردار می‌پرسد و او هم همینطوری میگوید ۴۰۰۰ تومان کارگران هم در عرض مدت خیلی کوتاهی دست‌به‌دست از کارگران ۴۰۰۰ تومان جمع میکنند و میدهند. فیلمبردار و صدابردار از این جریان بکه میخورند و پول را نمی‌گیرند و فیلم را میدهند. بعد یکی از کارگران میگوید "از کجا مطمئن باشیم این همان فیلم است؟" و فیلمبردار و صدابردار به آنها قول میدهند که این همان فیلم گزارش است. بعد یکی دیگر از کارگران میگوید "ما صدایش را هم میخواهیم چون ممکن است در رادیو پخش کنند". نوار صدا را هم میگیرند (خود فیلم خام بوده و نمیشد فهمید

بقیه در صفحه ۶

انجمن اسلامی، شورای فرمایشی، بازوی سرمایه‌دار
علیه زحمتکشان



تا کمیته‌کشان برای بازگرداندن ماشین
نظریون به کارخانه چگونه بوده و.....
این گزارش باید با اطلاعاتی از طسیرف
کارگران تکمیل و تصحیح شود.



بقیه‌ی سالی که گذشت

هیچ تفاوتی با سایر رژیمهای ارتجاعی
ندارد. حکومت دوماه جمهوری اسلامی
بعنوان چندمین تجربه در تاریخ مبارزات
طبقهای تحت‌ستم نشان داد که بین منافع
کارگران و سرمایه‌داران و بین سوسیالیسم
و سرمایه‌داری چگونه سازش و مصالحه‌ای
نمی‌تواند باشد و هیچ نظام دیگری بحسب
نظام سوسیالیستی که در آن کارگران و دیگر
زحمتکشان سرخشت خویش را بدست گیرند
نمی‌تواند بخواسته‌های مردم تحت‌ستم جواب
مثبت بدهد. با توجه به این همه نابسامانی
نی و خیانت که در طول همین ۲ سال بدست
رژیم جمهوری اسلامی انجام شده برای همه
نیروها و سازمانهای مترقی و کارگران
آگاه و مبارز چه وظیفه‌ای مهمتر از تشکیل
و آگاهی هر چه بیشتر کارگران و سایر
زحمتکشان برای تدارک انقلاب سوسیالیستی
آینده میماند. به امید آنکه در سال
جدید شعار انقلابی دگر باید و تشکیل
و آگاهی کارگران قهرمان همه گیر تر
شود و مقدمات حاکمیت زحمتکشان برسر
استثمارگران بیشتر از گذشته فراهم گردد.
به امید آنروز



بقیه‌ی گزارش کارخانه‌ی جنرال موتورز
که آیا همان فیلم است یا نه (خلاصه
کارگران باگرفتن فیلم و نوار صدا حاضر
به خاتمه قضیه می‌شوند و به سر کار بر
میگردند. کارگری هم که با او مصاحبه
شده بوده از همان اول کار که میفهمند
قضیه "لو" رفته متواری میشود. در این
جریان اتحاد وسیع و فشرده کارگران
موقع دست‌از کار کشیدن، مقاومت آنها در
مقابل تبلیغات و سوء استفاده های
رادیو و تلویزیون، دقت آنها بررای
تحویل گرفتن درست فیلم و نوار، همکاری
فعال آنها موقع جمع آوری پول، عکس-
العمل فوری آنها در جلوگیری از فسرار
ماشین تلویزیون، تاکتیک درست آنها
در افشاء تهیه کننده فیلم و رئیس
کارخانه در مقابل همه کارگران، شهادت
آنها در مقابل رئیس کارخانه و خشم آنها
برای کسب حقوقشان خیلی جالب بوده است.
این واقعه نشان میدهد که در میان
کارگران کار زیادی شده است. این
کارخانه در حدود ۳۰۰۰ کارگر دارد.

این گزارش از روی گفته‌های فیلمبر-
دار و صدابردار تهیه شده است و تا حدود
بسیار زیادی صحیح است. مقداری از اطلاع-
ات آن دقیق نیست مثل تاریخ اتفاق
افتادن واقعه. اسم رئیس کارخانه
بحث و جدل بین تهیه کننده با کارگران
و رئیس کارخانه با کارگران، موضوعات
طرح شده در مصاحبه و در ضمن
گزارش از زاویه‌ای تهیه شده که
فیلمبردار و صدابردار دیده‌اند و وقایع
از زاویه کارگران طرح نشده. مثلاً
روشن نیست که کارگران چگونه از جریان
تهیه گزارش با خبر شدند، چگونه دست‌از
کار کشیدند، عکس‌العمل آنها و اتحاد



آموزش سیاسی

سرمایه داری را بشناسیم

قسمت سوم:

تبدیل پول به سرمایه

گردش کالا که موجب تولید کالای ————— و بازرگانی است سرآغاز سرمایه است. تجارت و بوجود آمدن بازار جهانی در قرن شانزدهم راه را برای تولید سرمایه هموار ساخت. سرمایه صنعتی همانند سرمایه تجاری از گردش پول ارزش افزا میگردد: پول به کالا تبدیل میگردد و سپس بوسیله فروش کالا از نو به پولی بیش از آنچه برد میدل میگردد. در این قسمت، ابتدا اجزاء سرمایه صنعتی را تعریف میکنیم و سپس گردش سرمایه را مورد بررسی قرار میدهم و بالاخره به نیروی کار، بعنوان کالای ویژه سرمایه داری صنعتی، میپردازیم.

۱- اجزاء سرمایه صنعتی: سرمایه ثابت و سرمایه متغیر.

برای تولید هرکالائی به سرمایه دار، سرمایه خود را در ساختن کارخانه، ابزارآلات متناسب با تولید، لوازم بدکی مواد اولیه و همچنین دستمزد کارگران بچریان میاندازد، این سرمایه را، سرمایه پیش ریخته مینامیم.

آن قسمت از سرمایه را که ارزشش عیناً به کالا منتقل میشود (وسایل تولید، مواد اولیه، مواد کمکی...) را سرمایه ثابت (ت) مینامیم، آن بخش از سرمایه را که به نیروی کار تبدیل شده است و همانگونه که خواهیم دید ارزش خود را در پروسه تولید تغییر میدهد —————

بعبارتی هم معادل خود را تولید میکند و هم چیزی اضافه بر آن ایجاد میکند. سرمایه متغیر (م) مینامیم، سرمایه متغیر را که نمایگر کار مستقیم کارگران در یک بخش تولیدی است کالای جادو نیز میگوئیم همانگونه که وسایل تولیدی (ماشین آلات، مواد اولیه...) که خود حاصل کار کارگران دیگر است که بخشهای دیگر تولیدی تحقق یافته است را کار بجان مینامیم که ارزش آن در سرمایه ثابت تجسم یافته است، بنابراین، سرمایه پیش ریخته مجموع سرمایه ثابت و سرمایه متغیر است: (ث) و (م)

۲- فرمول عمومی سرمایه

در گردش کالائی دیدیم که کالا به پول و سپس بکالائی دیگر تبدیل میگردد:

(ک) ————— (پ) ————— (ک)

در گردش سرمایه حرکت از پول آغاز میگردد و به پول ختم میگردد: (پ) ————— (ک) ————— (پ). پولی که این گردش را انجام دهد سرمایه میگردد. گردش سرمایه همانند گردش کالا از دو مرحله متضاد تشکیل میگردد در

یکی خرید: (پ) ————— (ک) و یا تبدیل پول به کالا و دیگری فروش: (ک) ————— (پ) و یا تبدیل کالا به پول. کل روند سرمایه تبدیل پول به پول است: (پ) ————— (پ). این گردش هنگامی سودمند است که پول به پولی بیشتر



بقیه آموزش سیاسی

استثمار کارگران

تبدیل گردد مثلاً سرمایه‌دار با ۱۰۰ تومان پول شلواری خزیده و آنرا به ۱۱۰ تومان بفروشد.

حال به جهات مشترک و متفاوت در روند گردش کالا: (ک) — (پ) — (ک) و گردش سرمایه (پ) — (ک) — (پ) بپردازیم، در هر دو مورد گردش بوسیله دو عمل متضاد خرید و فروش ممکن گردیده است. آنچه با هم تفاوت دارد ترتیب معکوس دو گردش است. گردش کالا با فروش آغاز گردید، و با خرید پایان میابد در صورتیکه در گردش سرمایه خرید آغاز روند و فروش انتهای آن است. در (ک) — (پ) — (ک) پول بطور قطعی خرج شده است تا کالائی که مورد نیاز شخص معینی است بدست آید، آن کالا هم به محیط مصرفی رفته و جهت برآوردن حوائجی از گردش خارج گردیده است. بدین ترتیب هدف نهائی مصرف میباید که بوسیله مبادله برابرها انجام میپذیرد. در گردش (پ) — (ک) — (پ) پول بدانجهت به کالا تبدیل میگردد که پول بیشتری را نتیجه گردد، پس علت محرکه و هدف آن ارزش مبادله است.

همانطور که ملاحظه شد گردش

(پ) — (ک) — (پ) بهیچوجه علت اختلاف کیفی بین دوسر آن نیست (زیرا هر دو پولند) بلکه این گردش فقط بدانجهت انجام میابد تا اختلافی کمی را موجب گردد یعنی تبدیل پول (پ) به پولی بیشتر (پ) + (پ)، (پ) را اضافه ارزش مینامیم بدین ترتیب گردش پول ارزش افزاست و تعداد این گردش، پول را به سرمایه تبدیل میکند. در مورد گردش کالا فروشنده کالا پس از بدست آوردن کالاهای مصرفی اش دیگر مبادله را پایان نمی‌دهد، اما در مورد روند گردش پول چون هدف تنها ارزش افزاست بنا براین ادامه گردش پول شرط لازم آنست و بدین ترتیب حدی برای گردش آن نیست.

شکل (پ) — (ک) — (پ) تنها مصرف سرمایه تجاری نیست، سرمایه ربائی شکل کوتاه شده‌ای از آنست، (که دیگر کالا بعنوان میانجی وارد روند گردش پول نمی‌گردد): (پ) — (پ) و سرمایه صنعتی نیز شکل دیگری از آن میباید (در این مورد کالای جدیدی خریداری میگردد که نیروی کار است). در سرمایه تجاری (پ) — (ک) — (پ) شکل خرید برای گرانتر فروختن در خالص‌ترین وجه خود است بدینجهت تا آنجا که مربوط به مبادله بین ارزشهاست برابر استغیر ممکن جاسوه میکند و تنها از مغیون ساختن تولیدکنندگان کالا (که فروشنده و یا خریدارند) بوسیله بازرگانان که انگل وار وارد میادله میشود ناشی میگردد. شکل مبالغه آمیزتر از آن سرمایه ربائی است که واسطه کالا نیز از روند گردش پول حذف میگردد. ارزش افزائی پول و یا بوجود آمدن اضافه ارزش نمیتواند از خود گردش سرچشمه داشته باشد زیرا مبادله یعنی دست بدست گشتن برابرها، در عین حال بدون گردش هم ارزش افزائی غیر ممکن است زیرا در آن صورت صاحبان کالا فقط با محصول خود در ارتباط خواهند بود. پس، چنین نتیجه میگیریم که اگر پول نخواهد بشکل انگل وار خود گردش نماید باید تبدیل پول به سرمایه بر مبنای قوانین مبادله کالاهای که مبادله بین برابرهاست توضیح داده شود. یعنی پولدار، که میخواهد سرمایه دار شود باید کالاهای با ارزششان خریداری کرده و مطابق ارزششان بفروشد و در عین حال ارزشی بیش از آنچه که خریده است از آن بیرون بگذرد، حال بپذیریم که این چگونه کالائی است که با ارزشش خریداری میگردد و لی هنگامیکه سرمایه‌دار آنرا در اختیار دارد میتواند از آن چنان استفاده کند که ارزش افزوده‌ای بدست آورد. بقیه در صفحه ۹



بقیه آموزش سیاسی استثمار کارگران

۳- خرید و فروش نیروی کار

باز گردیم به شکل گردش پول
(ب) — (ک) — (پ) ، پول بمشابه و میله
خرید تنها موجب تحقق بخشیدن به بهای کالا
نیست که با آن خریداری میگردد، در شکل
نهایی گردش یعنی تبدیل کالا به پول هم باز
نمی‌توان ارزشی اضافی بیرون کشید، زیرا
این عمل فقط کالا را از شکل طبیعی خود به
معادلش یعنی پول تغییر میدهد، بنابراین
تغییر حاصله باید ناشی از کالایی باشد
که خریداری شده است، اما نه در ارزش آن
زیرا چنانچه گفتیم در قوانین ذاتی مبادله
برابرها با هم مبادله میگردد، بدین ترتیب
افاضه ارزشی که مورد نظر سرمایه دار ماست
تنها از طریق استعمال و مصرف این کالا
بدست میاید * ، اما برای اینکار سرمایه
دار ما باید کالایی در بازار بیابد که
چنین خاصیتی داشته باشد که ارزش مصرفش
خود سرچشمه ارزش باشد، کالایی با این
ویژگی تنها نیرو و یا توان کار است.

اما نیروی کار تنها موقعی میتواند
در معرض فروش قرار گیرد که این نیرو
در اختیار مالک آن باشد یعنی وی بعنوان
انسانی آزاد بتواند در بازار در مقابل
سرمایه دار قرار گیرد و هر دوی آنها از
نظر حقوقی با هم برابر باشند. بنابراین
شرط اول تحقق این معادله آنست که مالک
نیروی کار آزادانه * بتواند نیروی کار
خویش را برای مدتی معین بفروشد زیرا اگر
بطور دائمی بفروشد بصورت بنده ای خواهد
شد که متعلق به شخص دیگرست نیروی کارش
بمشابه کالا در بازار موجود نمیشود.
دومین شرط آنست که صاحب نیروی کار
خود امکان تولید کالایی دیگر نداشته
باشد و مجبور گردد که تنها دارائیش یعنی
نیروی کارش را بفروشد، این شرایط

بوسیله دگرگونیهایی که در جامعه فئودالی
صورت گرفت، ممکن گردید، نقش انقلابهای
بورژوازی غالباً " در برآوردن این شرایط
است تا سرمایه داران بتوانند نیروی کار
را بمشابه کالا در بازار خریداری نمایند.
حال بسینیم ارزش نیروی کار چیست.
ارزش نیروی کار همانند هر کالای دیگری
عبارت است از مقدار زمانی که برای
تولید (و لذا تجدید تولید) آن ضروریست
و آن عبارت است تحقق وجود شخص زنده.
بدین ترتیب تولید نیروی کار عبارت است
از نگاهداری و تامین وسائل معیشت
فروشندهان نیروی کار، و یا بصورتی
دیگر ارزش مقدار معینی از وسائل
زندگی است که برای حیات (تولید نیروی
کار) و همچنین تولید مثل (تجدید تولید
نیروی کار) فروشندهان آن ضروریست.

* در بخش بعدی مسئله اضافه ارزش و
استثمار کارگران شرح داده میشود.
** بمعنای حقوقی آن، مورد نظر است.

ادامه دارد





بفیهی پای صحبت زحمتکشان

بگی سود بردم. اما تا به روز فروشیست
بائین اومد، طاقت نیاوردی و دوئیستی
اومدی که ضرر میدیم. خلاصه هر طوری سود
نداشتیم در شرکتو بنده.

گفتم: امسال سود گرفتیم - گفت: هنوز
نه ولی فکر نمیکم بتوانیم بی دعای
و مرافد سود یا باداش امسالو بگیریم
و ادامه داد: که هر سال ما سه ماه
قراردادی سود می گرفتیم اما امسال
به همت برادرانی مکتبی مون باید دو ماه
باداش بگیریم!! که اوسم هزار تا کلک
بوش درست میکنید و امیدوار بود کسیه
اگه با هم باشیم میتونیم امسال هم همون
سه ماه سودرو بگیریم.

از دولت و سردمدارانش پرسیدم. گفت:
اولها که همگی فکر میکردیم انقلاب به ثمر
رسیده و موقع سازندگی است اما هر چه گذشت
بیشتر بی بردیم که سرمون کلاه گذاشتن
تو شرکتمون هم فقط یک نفر که ارشد
کارگره و در واقع نماینده صاب کارمئون
تو کارخونه. بقول خودش اسلامی باقی
موند. و الا باقی کارگرا همگی از دولت
تاراجی اند.

البتة تا زمانی که بیشتر از جانب آخوندها
و جری ها بود و میگفت: بنی صدر میتونه
مملکت رو اداره کنه اگر این آخوندها
ندارنش. اینها لیاقت کشورداری ندارن.
گفتم: بنی صدر هم همراه با اون بقیه
میخواه سرمایه داری رو رونق بده و بازار
تاریش کنه و تاره خود بنی صدر بود که
واسه حفظ منافع سرمایه داران سود کارگرا
رو لغو کرده دستور سرکوب کردستان رو
داد. دانشوها را نه خاک و خون کشید
و دانشگاهها رو بست و هزار و یک کار
دیگه به ضرر مردم کرده. گفت: میدونم!
اوسم دست کمی از اونای دیگه نداره ولی

خوب شاید بتونه مملکت رو، رو غلط
مداره.

..... آنچه که آزارش میداد وحشت
از بیکاری و خالت زن و بچه واسه به لقمه
نون و سرباه بود. فکر میکرد باعث این
گروسی ها و بدبختیها فقط آخوندها هستند.
پس گفتم: این سیستم سرمایه داری زیاده
فرق نمیکه توسط چه جور آدمهایی بگیره
مقط تا میگرده به ضرر کارگرا و زحمتکش
و تمام قانوناش هم پیاده میشه باید جوری
بازه که این استثمار و بهره کشی را حفظ
کنه و جلوه نفس کشیدن کارگرا رو بگیره.

..... باهاش خدا حافظی کردم. موقع
خدا حافظی گفتم: یعنی هیچ امیدی واسه
کارگرا نیست. هر کی میرسه فقط بار خود
شو میسنده! گفتم تا موقعی که کارگرا
و زحمتکشا خودشون به حاکمیت برسن و سر-
مایداری رو از بیخ و بن کنن و خلاصه
آقای خودشون نشن هیچ امیدی نیست برادر
هیچ امیدی. ما باید خودمون آستینا بزنیم
بالا بزنیم. خودمون.

برقرار باد حاکمیت زحمتکشان



دریخش

۱۱ اردیبهشت

بگوشید



۱۱ اردیبهشت

خبرنامه کارگری

سازمان وحدت کمونیستی



اخبارین المللی

پروپریل

گازدا نگاه نظامی در پروپریل هراسان از او حکمیری جنبش کارگری ۱۱ س ار رهبران اتحادیه‌های کارگری را به "حرم" تنوعی و شرع کارگران به اعتصاب به ۲/۵ سال حبس محکوم نمود. این حکم در عتای کارگری مریور که بعنوان اعتراض، دادگاه رانجر بهم کرده بودند صادر شد.

در آوریل گذشته اعتصاب ۳۵/۰۰۰ کارگر صنایع ماشین سازی بخاطر خواستهای اقتصادی و سیاسی پیش از یک ماه صنایع فوق را مختل ساخت. خواستهای کارگران عبارت بودند از ۱۵٪ افزایش مزد، شغلی ۴۰ ساعت کار در هفته و همچنین اعتصابات آزاد اتحادیه‌ای، مبارزات و سازماندهی پروتشاریای ۵ ملیوسی پروپریل در حالسی رو به اعتلا گذاشته است که بحران اقتصادی با تورم بیش از ۱۰۰٪ در سال، حکومت و زوالها را در پروپریل دچار محاصره حسودی نموده است. ۷ اسفند

اعتصاب معدنچیان در بریتانیا

کارگران معادن زغال سنگ بریتانیا که با اعتصاب طولانی خود در زمستان سال ۷۴ مقدمات سقوط دولت محافظه کار ادوارد هیث را فراهم ساختند در هفته‌های گذشته به پیروزی چشمگیر دیگری دست یافتند.

دولت محافظه کار مارگرت تاچسیر که در نظر داشت با بستن ۲۳ معدن زغال سنگ دولتی، بیش از ۱۲۰۰۰ کارگر معادن فوق را به سهانه ضرر دهی از کار بیگزار کند تا گها با اعتصاب سراسری معدنچیان روبرو گشت. هنوز یک روز از اعتصاب نگذشته، دولت "خام آهنی" که سازای مقاومت در برابر حرکت کارگران را در صود نمیبیند، تسلیم کارگران شده و طرح مریور

را بحال تعلیق در میاورده با ابحال بخش بزرگی از کارگران تا چند روز به اعتصاب خود، به شایه عدم اعتصاب به دولت، ادامه میدهند.

اهمیت این پیروزی معدنچیان بیشتر از آنجاست که ضربه پذیری دولتی محافظه کار را که در گذشته چندین اعتصاب کارگری را شکست کشانده و بر تانکهای حش و پلیسی خود در مواجهه با اعتراضات کارگران میبایند، در افکار عمومی بریتانیا نمودار ساخته و آنرا در انظار کارگران سی اعتبار ساخته است.

تدوین این اعتصاب بخشی از کارگران و کارمندان بخش عمومی و خدمات اجتماعی برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده و بخش دیگری نیز تهدید به اعتصاب نموده اند. لازم تذکر است که زغال سنگ هسور عمده ترین سوخت صنعتی و الکتریسته بریتانیا را تشکیل میدهد. (از منابع مختلف)

از جواهر آردای گروگانها

تولید شرکت ایران ناسون سال ۱۴۰۰۰ کارگر، حدود ۱۵۰۰ بیگان در ماه میباشد که تقریباً ۱۵٪ تولید در سالهای پیش از انقلاب است. شرکت تالیوب تا چند هفته دیگر قرارداد پنج ساله را با ایران ناسونال منعقد خواهد کرد که ارزش آن بالغ بر ۱۳۰ میلیون یوند (بیش از ۳۰ میلیارد ریال) در سال میشود. بر طبق مفاد این قرارداد، شرکت مریور دستگاه موتور، میل لنگ، جعبه دنده و سیستم فرمان اتومبیل را که ساخت آن محتاج به دستگاههای پیچیده میباشد به تعداد ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ دستگاه در هفته از طریق دریا به ایران میفرستد.

بقیه در صفحه ۱۲



کارخانه سیتروئن



تفش ملی

در کارخانه کفش ملی از اواسط بهمن ماه مبارک ای روپا روی بین کارگران رهنمائی از یکسو و مدیران و عوامل سرمایه و حمایت یاسداران از سوی دیگر صورت دارد. در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۵ یکی از کارگران شرکت گاسور با یکی از اعضای شورای (فرمایشی) سر سر مسئله قسری درگیری پیدا میکند به کمیته میسریند و پس با حمایت کارگران آزاد میسریند و از تاریخ ۵۹/۱۲/۱۱ که قرار میسریند پاداش (سود ویژه) پرداخت شود کارگران خواستار آن میشوند که مبلغ ۳۰۰۰ تومان که قبلاً پرداخت شده بود کم میسریند و مدیریت قبول نمیکند و کارگران دست به اعتصاب و سپس تحصن میزنند و مدت سه روز بین کارگران از یکسو و مدیران و تفنگچی های یاسدار از سوی دیگر مبارزه برای حقوق غارت شده کارگران ادامه می یابد که در پایان با حمایت مسلحانه یاسداران و دستگیری تعدادی از کارگران مبارز ظاهراً قضیه به تسبیح سرمایه داریان میپذیرد اما این تسبیح آغاز راه است.

بنز خاور

در کارخانه بنز خاور روز ۱۶ اسفند کارگران بر سر سود ویژه و پاداش اعتصاب کرده و به خیابان می آیند و شعار میدهند این اجتماع تا ظهر طول میکشد و حشاده کج را نیز کارگران می بینند.

کارگران کارخانه سیتروئن که قبلاً از تصمیم پاداش و سود ویژه تقریباً سه هزار تومان ملی الحساب گرفته بودند در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۶ که روز پرداخت پاداش بود با آن سه هزار تومان و ده ماه حقوق تقریباً حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان نمیکشید که این مسئله مورد اعتراض سراسری کارگران بخشهای مختلف قرار میگیرد و کارگران اعتراضی کمپان به مراجع محترم عامل میروند و قصد کنند رهن را از آن دارند که مدیر عامل مزورانه به کارگران میگوید شما بروید تحویل کنید هر چه حاضر بکنید و هرچه بخواهید حاضر میکنیم بدهید ما هم به شما خواهیم داد و خلاصه سران هزار هزار تومان موضوع را به روز جلسه خواند میکند.

روز شنبه ۵۹/۱۲/۱۸ کارگران سیتروئن که تجربه ن طولانی سالها ظلم اربابان سرمایه و مبارزه با آن را بدوش میکشیدند با سه هزار و چهارصد تومان عامل را به مجمع عمومی میکشند و مدیر عامل از ترس شروع به آسودن و آن در رهن میگذارد که مقصر کارمندان ضمانتداری بوده اند و مرا در جریان قرار داده اند و بالاخره قرار میسرود هر کارگری کمتر از ۷۰۰۰ تومان پاداش خواهد گرفت و آنهایی که مجموع دو ماه حق ضمانت کمتر از این مبلغ است حداقل ۷۰۰۰ تومان بگیرند و تنها پس از این موضوع به بنسب مدیریت در برابر خواستار آنکه کار را شروع میکنند.

تفش اخبار بین المللی

کارخانه سیتروئن از تعطیل کارخانه به گرانترین تعطیل ورکشتری وسیله کارخانه به رسوایی میروشن براساسی که ورکشتری را مالکیت آمریکائی آن خریده بود در انگلستان برپا شد.

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست